

آدرس غلط بود / نگاه به دست آمریکا جواب ندارد

در حالی که طرف غربی از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به ایران دریغ نمی‌کند و از نقض برجام نیز ابایی ندارد، دولتمردان همچنان برای حل مشکلات کشور، چشم به دستان غرب دارند.



در حالی که طرف غربی از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به ایران دریغ نمی‌کند و از نقض برجام نیز ابایی ندارد، دولتمردان همچنان برای حل مشکلات کشور، چشم به دستان غرب دارند.

رئیس جمهور دولت یازدهم در وعده‌های انتخاباتی خود در خصوص برنامه‌های دولت برای بهبود و ایجاد تحرک اقتصادی در صد روز گفته بود: «راه حل‌های کوتاه مدت یک ماه و ۱۰۰ روزه برای حل مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاست داخلی و خارجی در دولت تدبیر و امید پیش بینی شده است که با این برنامه ما می‌توانیم در یک فرصت کوتاه شاهد تحول اقتصادی باشیم.» و این جمله به یکی از شعارهای انتخاباتی او تبدیل شد و پس از روی کار آمدن دولتش، افکار عمومی به نظاره نشستند که ببینند دولت چگونه این شعار خود را عملی می‌کند؟ در روزهای نخستین شکل‌گیری دولت تدبیر و امید افکار عمومی جامعه شاهد سر دادن وعده‌های بسیاری از سوی دولتمردان بود؛ وعده‌های از قبیل اینکه «در ماه‌های ابتدایی دولت موانع از سر راه تولید برداشته می‌شود»، «باید سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری را عمل کنیم نه اینکه فقط شعار دهیم»، «برنامه اقتصادی من حل مشکل اشتغال به خصوص برای تحصیل کرده هاست»، «اقتصاد بدون نفت جزء سیاست‌های عملی نظام است»، «مسئله مسکن در اولویت جوانان است که به آن توجه ویژه‌ای دارم»، «دولت تدبیر گرانی را با برنامه و فکر کنترل و کاهش خواهد داد»، «دولت تدبیر به دنبال آن است که آنچه مردم را از درآمد سرشار کند که نیازی به یارانه ۴۵ هزار تومانی نباشد»، «ثبات بازارهای اقتصادی برای مهار گرانی و تورم»، «غلبه بر رکود، رفع بیکاری و بازگرداندن احترام به پاسپورت ایرانی و... نکته قابل تامل اینکه عمل به تمامی این وعده‌ها به مذاکرات هسته‌ای پیوند خورد و دولت عملاً سیاست توافق به هرقیمتی را درپیش گرفت و تمام تخم مرغ‌های تدبیر خود را در سبد امید به برجام چید.

به رغم همه این وعده‌ها امروز پس از گذشت قریب به دو سال و نیم از عمر دولت به عقیده بسیاری از کارشناسان و حتی خود مسئولان اقتصادی، دولت فعلی نه تنها در تحقق وعده‌های اقتصادی خود نظیر خروج از رکود توفیقی بدست نیاورده بلکه در مقابل برخی ایرادات مدیریتی که منجر به خسارت برای مردم می‌شود، به فرافکنی، حاشیه‌سازی و مقصر جلوه دادن دیگران و فحاشی به منتقدان روی آورده است.

اعتراض

از وزرا تا نمایندگان

کار به جایی رسید که چهار وزیر دولت یازدهم در نامه‌ای به انتقاد از شرایط وخیم اقتصادی کشور بپردازند؛ وزرای اقتصاد، صنعت، کار و دفاع چندی پیش در نامه‌ای مشترک به رئیس‌جمهور نسبت به بحرانی بودن کشور به لحاظ رکود در اقتصاد هشدار دادند. دیروز نیز در پی هشدارهای اخیر فعالان و کارشناسان اقتصادی در خصوص وضعیت رکود پیش آمده در اقتصاد کشور، ۱۰۰ نفر از نمایندگان که در میان اسامی آنها نمایندگان اقتصادی مجلس نیز مشاهده می‌شود در تذکری به رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد عنوان کردند: رکود عمیق و بی‌سابقه حاکم بر اقتصاد کشور منجر به تعطیلی اکثر بخش‌های اقتصادی شده و تنها راه حل آن اقدام عملی دولت برای اجرای عملی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است.

نیم گام به جلو

۱۰ گام به عقب!

از این گذشته، در اثنای توافق ژنو و توافق وین میان ایران و کشورهای موسوم به ۱+۵ که به شکل‌گیری برجام منجر شد دولت تدبیر و امید تلاش بسیاری برای نشان دادن این اتفاق به عنوان نقطه عطفی در توسعه اقتصادی کشور کرد و این امید سراب گونه باعث شد تا به دعوت دولت برخی نیز به جشن و سرور بپردازند ولی نکته قابل تامل اینجاست که طبق توافق موقت (ژنو) میان ایران و ۱+۵ که دولت یازدهم از آن به عنوان پیروزی خود یاد می‌کند جمعاً مبلغی حدود حداکثر ۶ میلیارد دلار از پولهای

بلوکه شده به ایران بازگشت ولی به موازات بازگشت این مبلغ به اقتصاد ایران شاهد توطئه‌ای میان کشورهای غربی و به خصوص آمریکا با کشورهای نفت خیز خلیج فارس بر سر کاهش قیمت نفت بودیم؛ یک جنگ نفتی که چندین برابر مبلغی که به دست ایران رسید را از جیب ایران خارج کرد.

پیش‌بینی‌های
سرخوشانه!

نگران کننده‌تر از پائین آمدن قیمت نفت، غلط از آب درآمدن پیش‌بینی‌ها و تدابیر دولتمردان دولت یازدهم است که ماحصل آن در اعتراف جهانگیری نهفته شده است. معاون اول رئیس‌جمهور چندی پیش اظهار کرد: «تصور می‌کردیم درآمد نفت کاهش یابد اما فکر نمی‌کردیم قیمت نفت از ۶۰ دلار پایین‌تر بیاید... در اقتصاد کشور پیش‌بینی کاهش قیمت نفت به کمتر از 60 دلار نمی‌شد اما اکنون قیمت نفت به کمتر از 30 دلار رسیده و پیش‌بینی‌ها حاکی از کاهش قیمت این محصول به کمتر از 30 دلار است... کشورهای تولیدکننده نفت در شرایط فعلی و با کاهش قیمت این محصول آسیب‌های جدی می‌بینند به طوری که اگر اقتصاد با 100 دلار تنظیم شده باشد برگشت به 30 دلار کار راحتی نیست.»

این بخشی از اظهارات اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت یازدهم است که چندی پیش مطرح شد و تعجب نخبگان و دلسوزان را برانگیخت. تعجب از این جهت که چطور معاون اول دولت یازدهم دولتی که ادعایش کار کارشناسی و بهره‌مندی از ژنرال‌های نفتی است!- این بدیهی‌ترین پیش‌بینی کارشناسان و خبرگان بازار نفت را ندیده گرفته و با «تصورات» خود به یکی از حساس‌ترین موضوعات اقتصادی کشور پرداخت؟!

از وعده بازگشت احترام به پاسپورت ایرانی

تا قانونی برای تحقیر ایران

اما موضوعی که این روزها ذهن افکار عمومی را به خود مشغول داشته قانون ضد ایرانی است که کنگره آن را تصویب و در برابر نگاه‌های نگران دولتمردان ما به امضاء رئیس‌جمهور آمریکا رسید. مجلس نمایندگان آمریکا به بهانه مقابله با تهدید تروریسم، طرحی را تصویب کرد که سفر افرادی را که طی 5 سال اخیر در یکی از چهار کشور ایران، عراق، سوریه و سودان حضور داشته‌اند به آمریکا محدود می‌کند. طبق این قانون از این به بعد سفر به ایران مانند سفر به سودان و سوریه و عراق برای اتباع همه کشورها نوعی سابقه بد پاسپورتی و به نوعی یک انگ و بدنامی امنیتی محسوب می‌شود. در واقع هدف عمده و اصلی از تصویب و تأیید این قانون ضدایرانی از سوی کنگره و اوباما در واقع انزوا و تحقیر ملت ایران است آن هم در دوران دولتی که قرار بود احترام و تشخص را به پاسپورت ایرانی بازگرداند.

این اقدام ضد ایرانی طرف آمریکایی در داخل کشور از جانب برخی از سرسپردگان استکبار مورد لطف نیز قرار گرفت و در چند روز اخیر شاهد بودیم که رسانه‌های زنجیره‌ای یک صدا این قانون ضد ایرانی را امری طبیعی نشان داده و برای بزرگ کردن آن از هیچ تلاشی فروگذاری نکردند تا از این طریق افکار عمومی جامعه را از معایب این قانون انتقام جویانه منحرف کنند.

قانون ضد ایرانی اخیر کنگره که به امضاء رئیس‌جمهور آمریکا نیز رسیدحتی باعث شوکه شدن دولتمردان دولت تدبیر و امید نیز شد چرا که آنها امید بسته بودند که تدبیر اوباما از طریق وتوی این قانون و یا مستثنی کردن ایران از این قانون مانع تصویب ابعاد ضد ایرانی آن می‌شود ولی این امید پوچ و پوشالی از آب درآمد و اوباما آن را امضاء و تأیید کرد و در عوض جان کری با ارسال یک نامه تشریفاتی که از حداقل ضمانت اجرایی نیز برخوردار نیست تلاش کرد تا از دولت و افکار عمومی ایران نسبت به این قانون ضدایرانی حساسیت زدایی کند و اعلام کرد نگران این مصوبه نباشید!

نقض برجام و انفعال دولتمردان

رهبر معظم انقلاب اسلامی دو ماه پیش نامه‌ای مهم منتشر کرده و با ذکر 9 بند بصورت مشروط برجام را تأیید کردند. در بند دوم این نامه آمده است؛ «در سراسر دوره هشت‌ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه مجلس، اقدامهای لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقف کند.»

دولتمردان که مدعی بودند برجام را براساس شروط رهبر معظم انقلاب، مجلس و شورای امنیت ملی اجرا خواهند کرد باید پاسخ دهند در برابر این اقدام آمریکا عملاً چه کرده‌اند. اینکه سخنگوی محترم دولت صرفاً بگوید این مصوبه از نظر ما مردود است چه فایده‌ای دارد و چه چیزی را تغییر می‌دهد؟!

دستپخت مشترک کاخ سفید و کنگره

معلوم نیست دولت یازدهم با چه منطقی برای نامه جان کری رجحانی بیش از مصوبه کنگره و امضای رئیس‌جمهور آمریکا قائل است که هیچ تلاشی در برابر این مصوبه ناقض برجام انجام نمی‌دهد. شاید ادله دولت این است که همچنان تصور می‌کنند میان کنگره و کاخ سفید شکافی در خصوص ایران به وجود آمده در صورتی که رسانه‌های غربی این نکته را نقض می‌کنند. لس آنجلس تایمز در گزارشی نوشت: طرح مجلس نمایندگان بعد از گفت‌وگوهای مخفیانه میان مقامات کاخ سفید و رهبران کنگره تهیه شده است.

عملکرد دولت آمریکا در روزهای بعد از امضاء برجام به گونه‌ای است که قصد بازی دادن ایران را دارد چرا که در پشت پرده با کنگره ضد ایران اقدام می‌کند و برای حفظ ظاهر و از همه مهم‌تر جلب نظر افکار عمومی ایران نسبت به آمریکا دست به نامه نگاری می‌زد تا با باز کردن جای پا میان افکار عمومی راه را برای حمایت از جناح مورد نظر خود به مجلس شورای اسلامی هموار کند.

اعتراف بی‌بی سی
گوش شنوایی هست؟!!

تصویب قانون ضد ایرانی و در کل عملکرد منفی آمریکا با جمهوری اسلامی در دوره پساجرام حکایت از این امر دارد که مشکل آمریکا با ایران تنها بر سر مسئله‌ای مثل هسته‌ای نیست بلکه آمریکا با ساختار و ارزش‌های بنیان بخش جمهوری اسلامی مشکل دارد. اذعان به این امر در یادداشت یکی از روزنامه نگاران فراری روزنامه‌های زنجیره‌ای که در حال حاضر برای بی‌بی سی قلم می‌زند قابل مشاهده است. وی می‌نویسد: «قانون جدید آمریکا و اعمال محدودیت مسافرتی علیه ایرانیان کل حاکمیت سیاسی ایران را در مقابل این انتخاب قرار می‌دهد که یا مشکل روابط دیپلماتیک خود را با آمریکا حل کنند یا انتظار نداشته باشند که با پایان تحریم‌ها ایران شاهد رونق اقتصادی باشد و ایران امتیازهای اقتصادی دریافت کند که نمی‌خواهد هزینه سیاسی آن را بپردازد.»

وی آنچه دوستان و همفکران داخلی اش در پرده می‌گویند را عیان کرده و همان خطی را دنبال می‌کند که مدعی است بدون بستن با کدخدا نمی‌توان کاری کرد؛ «آشنایی با نظام بین‌الملل حاکی از آن است که بدون ارتباط شفاف و تعریف شده با آمریکا نه از سرمایه گذاری‌های بزرگ خبری هست و نه می‌شود در سازمان‌های بین‌المللی حضور فعالی داشت. همه لابی‌های اقتصادی و سیاسی در همه نهادهای جهانی به ترتیبی در تعامل با آمریکا هستند و بدون ارتباط با آمریکا کشورها در این سازمان‌ها قفل شده و چندین برابر هزینه می‌پردازند.»

نویسنده سپس به زعم خود راهکار رهایی از این مشکلات را نیز ارائه می‌کند؛ آشتی و رابطه با آمریکا! بی‌بی سی در ادامه از دوره پساجرام نیز پرده برمی‌دارد و آب یخ را بر سر خوش خیال‌هایی که گمان می‌کردند با برجام همه مشکلات حتی آب خوردن مردم حل می‌شود، می‌ریزد؛ «دولت اوباما با تصویب قانون محدودیت مسافرتی به آمریکا فشار آزار دهنده‌ای را علیه ایران اعمال می‌کند. این قانون با تحت فشار قرار دادن حاکمیت سیاسی در ایران تلاش می‌کند تا پاسخ همه امتیازهایی را که در جریان مذاکرات هسته‌ای به ایران داده شده است را یک جا دریافت کند. یعنی اکنون نوبت رهبر ایران است که در پاسخ دیپلماسی اوباما یا دستور مذاکرات علنی با هدف عادی‌سازی روابط دیپلماتیک را صادر کند یا از خیر بخشی از دستاوردهای اقتصادی پس از برداشته شدن تحریم‌ها بگذرد.»

یادداشت بی‌بی سی نشان می‌دهد که مشکل آمریکا با جمهوری اسلامی به حدی عمیق است که صرفاً با توافق بر سر مسئله هسته‌ای حل نخواهد شد و آمریکا تا زمانی که ایران در پازل غرب بازی نکند راضی نخواهد شد.

روزهای خوش

نگرانی اینجاست که در این بازه زمانی که تعهدات هسته‌ای ایران همچون بر چیدن سانتریفیوژها و پر کردن قلب راکتور اراک هنوز به انجام نرسیده طرف غربی بهانه تراشی می‌کند، وای به زمانی که ایران دست خود را خالی کند و آن موقع طرف غربی افسار گسیخته لگدپرانی را تشدید می‌کند و می‌گوید اگر می‌خواهید در امان باشید باید به مطالبات و زیاده خواهی‌های من پاسخ مثبت دهید؛ از محدود کردن فعالیت‌های دفاعی و موشکی گرفته تا بحث ادعاهای حقوق بشری و حمایت ایران از نهضت‌های آزادیبخش همچون حزب الله و حمایت از دولت سوریه و عراق و جنبش انصار الله یمن و آزادی فتنه گران و ...

در مجموع به نظر می‌رسد که شعار زدگی در دولت به حدی از بحران رسیده است که این مولفه شعار زدگی در کنار ترک برداشتن دیواره تحریم‌ها و عبور از رکود به ایجاد تحول اقتصادی نیز سرایت پیدا نموده است. و به نظر می‌رسد که این شیوه امید مردم نسبت به تحقق وعده‌های دولت یازدهم را نا امید ساخته است. چرا که افکار عمومی در پس وعده وعیدهای دولت تدبیر و امید اقدامی مثبت را ندیدند و تاثیر وعده‌های خوش آب و رنگ دولت در معاش مردم حس نمی‌شود. مقام معظم رهبری در سخنرانی نخستین روز فروردین سال جاری در مشهد مقدس به دو دیدگاه موجود در کشور، در خصوص چگونگی حل مسائل و مشکلات اقتصادی اشاره کردند. ایشان گفتند: یک دیدگاه در کشور معتقد است که پیشرفت و رونق اقتصادی را باید با استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های درونی کشور که تا به حال کمتر به آنها توجه شده و یا اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، تأمین کرد. رهبر انقلاب افزودند: دیدگاه دوم در نقطه‌ی مقابل، معتقد است رونق و پیشرفت اقتصادی با نگاه به بیرون از مرزها امکان پذیر است، بنابراین باید سیاست خارجی را تغییر دهیم و با مستکبر کنار بیاییم و زورگویی‌های او را بپذیریم تا مشکلات اقتصادی حل شوند! حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تاکید کردند: این نگاه دوم، کاملاً غلط، عقیم و بی‌فایده است. ایشان در بیان دلیل غلط بودن نگاه دوم خاطر نشان کردند: تحریم‌های کنونی غرب بر ضد ملت ایران، دلیل روشنی بر غلط بودن دیدگاه رونق اقتصادی با نگاه به بیرون است، زیرا قدرتهای خارجی به هیچ حدی از تحمیل و زورگویی قانع نیستند، ضمن آنکه برخی از مسائل ناگهانی و غیرقابل انتظار همچون طراحی برای کاهش قیمت جهانی نفت و ضربه زدن به اقتصاد کشور را نیز ایجاد می‌کنند.

از این رو طبق رهنمودهای رهبر معظم انقلاب تنها راه عبور از مصائب اقتصادی نگاه به درون کشور و استفاده از ظرفیت‌های درونی ایران است. در دو سال و نیم اخیر دولت یازدهم مسئله اقتصاد و رشد و توسعه را منوط به برجام کرد ولی در حال حاضر با توجه به توطئه‌ها و کارشکنی دشمن در دوره پساجرام اجازه رشد به جمهوری اسلامی داده نمی‌شود از این رو باید دولت تدبیر و امید، امید به ظرفیت‌های درونی کشور بسته و از این روزنه تدابیر جدیدی بیندیشد.